



سیمای پر فروغ فاطمه علیها السلام در آینهٔ وحی

علی رضا کریمی

قلب و طهارت روح و قداست روان، همواره دانش و بینش، درایت و فرزانه‌گی، آگاهی و آینده‌نگری، ژرف‌اندیشی و هدف‌داری، عشق و اخلاص، فداکاری و ایثار، گذشت و صفا، شهامت و شجاعت، عظمت و کرامت، مهر و محبت، دگردوستی و مردم‌خواهی، حق‌جویی و حق‌گویی، حق‌طلبی و حق‌پرستی، آزادگی و آزادمنشی، توحید و تقوا، امانت و راستی، درخشندگی و روشنگری، شگفتی و شگرفی، پارسایی و پایداری، همزیستی و مسالمت، همت و اعتماد به نفس، ایمان و عرفان و دیگر ارزشهای والای انسانی و خداپسندانه همواره از شاخصار وجودش بر تشنگان و جویندگان آب حیات ریزش داشت! و اگر باران بود، باران رحمتی را می‌ماند که دانه‌های بی‌شمار و قطرات جانبخش و زلال و پاک و زندگی‌ساز و شفاف‌بخش و بموقع‌خود را برای زنده ساختن زمین و زمان، گل و گیاه،

می‌رویاند و در دامان خویش می‌پروراند! و اگر کوه، این سمبل شکیبایی و پایداری و رمز استواری و پایداری بود، برآستی قلّه‌ای پرفراز، سر به آسمان ساییده، تسخیرناپذیر و ثابت و پایداری در برابر طوفانها، گردبادها و امواج بنیانکن حوادث بود!

اگر دریای خروشان و موج‌و پرتلاطم، این سرچشمهٔ طراوت، نشاط، خرمی و شادابی زندگی و موجودات زنده بود، انبوه انبوه لؤلؤ و مرجان، مروارید و گوهرهای درخشان و گرانبها و نایاب در خود داشت! و اگر اقیانوس ژرف و بی‌کرانه بود، برآستی که پر اسرارتر از این گنجینهٔ اسرار، و سرشارتر از این مخازن عجایب، و پر رازتر از این معمای شگفت‌انگیز آفرینش و پر ثمرتر و مفیدتر از این سفرهٔ احسان خدا بود!

اگر آبشار ریزان و شفاف و زلال بود، با همان شفافیت جان و زلالی دل و پاک

او، اگر خورشید جهان افروز بود، برتر از این مشعل پر شکوه آسمانی، والاتر از این کانون نور و روشنایی، برتر از این ارزانی دارندهٔ زندگی و حرکت و حرارت و طراوت و نشاط و آسایش بود!

و اگر ماه بود، زیباتر از این شمع شب افروز، دلرباتر از این سمبل و نمونه جمال و زیبایی، و روشنی‌بخش‌تر از این چراغ منظم و اسرارآمیز، و شکوهمندتر و خیره‌کننده‌تر و تحسین‌برانگیزتر از این آفریدهٔ فرمانبردار و این رهرو گرم رفتار و این آیت و نشان اقتدار و عظمت خدا بود!

اگر زمین بود، رنگین‌تر از این خوان گسترده، پر برکت‌تر از این گنجینهٔ معادن، پر رازتر از این در بردارندهٔ عجایب، شگرف‌تر از این آفریدهٔ پراسرار، گسترده‌تر از این عرصهٔ پهناور، و پاک و پاکیزه‌تر از هر زمین طیب و طاهری بود که انواع گلها و گیاهان و دانه‌ها و میوه‌ها را به فرمان خدا

دانه و میوه و پرنده و انسان، سخاوتمندانه می باراند تا از سویی میکریهای کشنده و هستی سوز بداندیشی ها و بدخواهی ها، کج فهمی ها و کودنیها، خودخواهی ها و خودپرستی ها، شرارتها و حماقتها، تجاوزها و زورگویی ها، هواها و هوسها، نوع پرستی ها و بت تراشی ها، حق کشی ها و شیادیها، تملق ها و چاپلوسی ها، وابستگیها و دنباله رویها، سنگدلیها و بی رحمی ها و تمامی ضد ارزشها را از کران تا کران زمین پاک خدا بشوید و یکسره به زیاله دان تاریخ بریزد و نابود سازد و از دگر سو گلها و گل بوته های نیکبختی و بهروزی را برویاند و بیپرورد و شکوفا سازد و به میوه بنشانند و زندگی را عطرآگین کند!

اگر رعده بود، فریادش رساتر، و غررشش تکان دهنده تر، و وطنین جاودانه اش برای بیدار ساختن خواب رفتگان، و هشجاری بخشیدن به غفلت زدگان و بهوش آوردن کسانی که دچار انواع مستی ها و پستی ها هستند کارسازتر و هشدار دهنده تر بود! و اگر برق بود، نور خیره کننده اش مشعل پرنور فرا راه، چراغ راه هدایت، و روشنی بخش مسیر برای راه جویان و راه پویان آرمانخواه و هدفدار بود!

اگر گل، این سمبل جمال و کمال و تجسم بارز زیبایی و دلآویزی و دل انگیزی بود، براستی زیباتر از همه گلها، جالبتر از همه لاله ها، عطرآگین تر از همه گلبرگها، تفکر انگیزتر از همه شکوفه ها و دل انگیزتر از تمامی دشتهای پوشیده از گل و سنبل، باغستانهای پر از لاله ها و شکوفه های

رنگارنگ و عطرآگین بود! و اگر «سرو» این سرمشق پایداری و برافراستگی بود، خدای را سوگند که برافراشته تر و پایدارتر و شکیباتر در برابر تندباد حوادث بود!

اگر دختر بود، دختری بی همتا و بی همانند، دختری سرشار از ادب و عاطفه، پاک و صفا، معنویت و فضیلت، کمال و جمال، خداجویی و خداخواهی، خدایی و خداپرستی، ایمان و پروا، توحید و توکل، شهامت و دلیری، عفاف و درستی، دانش و آگاهی و به یک کلام راز و رمز خلقت و معمای انسانیت بود که لقب بلند «آئیها» را از پیامبر گرفت و بارها آن کاروانسالار انسانیت دست او را بوسه باران ساخت و با همه وجود فرمود: فاطمه جان! پدرت به قربانت...

و اگر «زن» بود بانویی بی نظیر و بی مثال، شاخص و نمودار کامل یک بانوی نمونه، اسوه راستین و پرشکوه و بالنده زن آزاده و آزاد اندیش و اسطوره جاودانه جنس زنان بود!

اگر مادر بود، در عرصه مادری لطیف تر از شبنم بهار، نوازشگرتر از نسیم سحر، ظریف تر از برگ زیبای گل، و عطرآگین تر و دوست داشتنی تر از لاله های مُعطر بود!

و اگر همسر بود، در کانون خانه علی علیه السلام گرمتر از آفتاب جهانتاب، دلنوازتر از مهتاب، دل انگیزتر از نسیم بهاری، و بخشنده تر و پربارتر از ابر پر باران و نزدیکتر از پروانه بی قرار و دلسوخته به شمع روشن بود!

هر چه بود و هر که بود اعجوبه جهان خلقت، معمای انسانیت، راز و رمز

هستی، گوهر گرانبهای آفرینش، آیت قدرت بی کران خدا از آفریدن آفریدگان، خلاصه فضائل، عصاره کرامت، مجموعه مواهب و فرزاندگی و نشان توانایی بدیع و عجیب آفریدگار در آفریدن از جنس «زنان» بود.

شگفت انگیزترین انسان و شگرف ترین بشری بود که در پُست دختری همراز و همسنگر و همراه و پشتیبان کارآمد و دلسوز و مشاور پدر، و در مقام همسری یار و مددکار و مشاور و مدافع و گرمابخش زندگی همسر، و محبوب ترین یار و نزدیکترین دوست و پرتوان ترین غمخوار او، و در گستره شکوه «زن» بودن و عضو حساسی از جامعه بشری به حساب آمدن، پایدارتر از قله های استوار، جوشنده تر از چشمه های همیشه جوشان، جاری تر از رودخانه های همیشه جاری، خروشان تر از سیلاب خروشان، دل انگیزتر از آبشارهای همیشه ریزان، غرنده تر از رعد و روشنگرتر از درخشش برق، دلیرتر از شیر ژبان، شکیباتر از تکدرخت بیابان، حماسه سازتر از همه حماسه سازان، سرسخت تر و نستوه تر از پیامبران در راه حق و عدالت، بود.

سند افتخار و مایه مباهات

او از جنس زنان بود و سند افتخار و مایه مباهات آنان در همه قرون و اعصار در دنیا و آخرت، و در میان جن و انس و فرشتگان و حوریان بهشت، نام بلند آوازه و شکوهارش فاطمه، هادیه، مهدیه، ملهمه، محدثه، صدیقه، طاهره، مظهره،

حانیه، مبارکه، معصومه، زکیه، نوریه، سماویه، حره، راضیه، سیده، مرضیه، زهرا، مریم، بتول، عذراء، سعیده، منصوره و حوریه بود اما... در حقیقت حوریه ای انسان نما، فرشته ای بهشتی، گوهری گرانبها و نایاب، درّی درخشنده و تک، الگو و نمونه ای کامل و تمام عیار، مجموعه فضیلتها، عصاره موهبتها، چکیده الایها، فشرده ارزشها و شبیه ترین انسانها در سیما و صورت، رفتار و سیرت، گفتار و سخن، حرکات و سکنات، روح و جان، اندیشه و روان، به برترین بنده خدا و سرفرازترین برگزیده او محمد صلی الله علیه و آله بود. یعنی دخت گرانمایه شخصیت بی همانندی که خداوند کتاب قطور و شگرف آفرینش را به خاطر او گشود و به خاطر خاندان سرفراز و پرافتخارش که فاطمه، این بانوی بهشت و این برجسته ترین الگوی زن در همه جهانها، محور و مرکز و مام راستین این خانواده بود.

دوران زندگی کوتاه بود اما چنان پر برکت، پر محتوا، کامل و جامع، که برآستی کتاب قطور و انسان ساز و جامعه پردازی را ماند که از بخشهای متنوع و گوناگون فکری، عقیدتی، عبادی، اخلاقی، خانوادگی، هنری، اجتماعی، فرهنگی، مبارزاتی و... تشکیل شده باشد. آن هم در سطحی ممتاز و عالی و بی همانند و وصف ناپذیر، بسان قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجّادیه، و صحیفه فاطمیه...
توحیدگرایی و یکتاپرستی خالص و ناب، سرآغاز کتاب و وجود فاطمه را

تشکیل می دهد و از پی آن بخش بندگی خالصانه، پرستش عاشقانه، راز و نیازها و نیایشها و رنگ خدا گرفتنها و الهی شدنهای اوست که خواندنی است و شنیدنی و حس کردنی.

بخش سوم کتاب وجود او را معادشناسی و ایمان به آخرت و حساب و کتاب و برنامه و هدفداری آفرینش و پروای از او ساخته است که پژوهشگران را بهت زده می سازد و انگشت حیرت بر دهان می گیرند.

پس از آن ارزشهای اخلاقی و انسانی و معنویّت اوست که مطالعه کننده کتاب وجود دخت گرانمایه پیامبر را واله و شیدای آن عصاره ارزشها و چکیده شایستگیها می کند.

بخش پنجم کتاب وجودش بخش هنری است، هنر دختر نمونه بودن در شعاع رسالت، هنر همشان و همتا و همسر و مشاور و معاونی بی نظیر بودن در زندگی مشترک، هنر مادر سرفراز شدن و نسل سرفراز پروراندن برای همیشه، هنر زن بودن و عضوی کارآ و سازنده و نمونه برای جامعه...
و بخش دیگر کتاب وجود فاطمه را

مبارزات و مجاهدات خالصانه و قهرمانانه او به منظور صیانت از دین و دفتر و قرآن و عترت و مرزبانی از عدالت و آزادی شکل می دهد، روزگاری را که همه جا دوشادوش پدر بود و شاهد رنجهای گران او در رساندن پیام خدا و نجات بشریت از عفریت شوم جهل و بیبیداد و خرافات و تعصبات ویرانگر و انواع اسارتها...
در شکوه و عظمت و والایی دخت گرانمایه پیامبر گفتنی ها بسیار است و شنیدنیهای غرورآفرین، فراوان! اما زیباترین سخنان در ترسیم شخصیت شکوهار آن حوریه انسان نما را باید در آیات قرآن و سخنان گهربار دریافت دارنده وحی و پیشوایان راستین دین نگریست، چرا

و غمخوار و امیدبخش و پناه فکری و عاطفی او بودن در سخت ترین شرایط و بی اندازه ترین بحر آنها.

روزگاری را که قرین امامت راستین بود و همسنگر و همراز و مشاور و معاون بلند مرتبه امیرمؤمنان و مام پرفضیلت فرزنداناش، و روزگاری را که وقتی در ترکنازی بازیگران قدرت و خداوندگاران ریا و فریب و زهد و تظاهر، و زورمداری و خودکامگی، مردی یافت نمی شد تا از شهسوار حق و محور عدل و جانشین راستین محمد صلی الله علیه و آله و آرمان نبوی دفاع کند، او آری فاطمه علیها السلام قهرمانانه پا به مسجد نهاد و موج آفرید، و حماسه ای جاودانه پدید آورد و در عرصه های فکری، عقیدتی، فرهنگی و اجتماعی جهاد پایان ناپذیری را پی ریخت و تا مرز شهادت و دفن شدن پنهانی و شبانه و تشییع غریبانه و مزار ناپیدا و تفکرانگیز و درس آموز و سرشار از چرا پیش رفت و بخش پایان ناپذیر کتاب وجود خویش را گشود...

و اینک پرتوی از سیمای شکوهار او در آینه وحی.



در شکوه و عظمت و والایی دخت گرانمایه پیامبر گفتنی ها بسیار است و شنیدنیهای غرورآفرین، فراوان! اما زیباترین سخنان در ترسیم شخصیت شکوهار آن حوریه انسان نما را باید در آیات قرآن و سخنان گهربار دریافت دارنده وحی و پیشوایان راستین دین نگریست، چرا

که آنان به دلیل عصمت و مصونیت و آگاهی وسیع، هر کس و هر چه را همان گونه که خدایش آفریده و هست می شناسند و هر چیزی را در جایگاه واقعی او می نگرند و ذره ای افراط و تفریط که آفت جان دیگران در تعریفها و تنقیص هاست در ساحت آن چهره های خدا ساخته راه ندارد.

در تابلو حقیقت نمای قرآن سیمای سالار زنان گیتی، سیمایی دوست داشتنی، افتخار آفرین، پرجاذبه و بی نظیر است و نمونه و سمبل واسوه و برجسته ترین الگوی کمال و ترقی و جمال ظاهری و معنوی.

او در تابلوی قرآن شریف، معنا و مفهوم سوره مبارکه «کوثر» است؛ از مصادیق بارز آیه مبارکه «تطهیر» است؛ از چهره های بزرگ آیه شریفه «مباهله» است؛ از شخصیت‌های والای آیه کریمه «قربی» است؛ از بندگان خاص خدا در سوره «هل اتی» است؛ یکی از چند قهرمان نامدار آیه «اعطاء» است؛ یکی از چند نام مقدس و گرانمایه ای است که حضرت آدم، خدا را به حرمت آنان خواند؛ محور کلمات در آیه شریفه ای است که از آزمایش ابراهیم خبر می دهد و دیگر اینکه ولایتش امانتی است که به آسمانها و زمین عرضه می گردد.

و از جمله افتخاراتش این است که خانه اش کانون طهارت و قداست و عبادت و بندگی خدا و فرودگاه فرشتگان مقرب اوست و خانه ای است که خدا آن را در کنار کعبه و بیت المقدس و دیگر مساجد قرار داده و فرمان داده است که در آنها نام خدا به عظمت و شکوه برده شود و برای همیشه حرمتش نگاه داشته شود. برای نمونه:

۱- شکوه معنوی

در یکی از حساس ترین لحظات تاریخی که موج رهایی بخش و زندگی ساز دعوت پیامبر از مدینه و مرزهای آن عبور کرده و منطقه را می گرفت و نامه های دعوت و پیامهای او بوسیله سفیران شجاع و اندیشمندش به سوی پایتخت قطبهای قدرت آن زمان ارسال می گشت، درست در همین شرایط حساس، گروهی از مسیحیان «نجران» که از اندیشمندان و دانشوران و نماینده انبوهی از پیروان مسیح بودند، جستجوگرانه وارد مدینه شدند تا ضمن دیدار با پیامبر و مطالعه دقیق در محتوای دعوت و هدفها و آرمانهای او، و با ژرف نگری در شخصیت بی نظیر و ویژگیهای خود آن حضرت، در مورد گرایش به اسلام یا مبارزه با آن تصمیم بگیرند و دیدگاه خویش را با صدای رسا به گوش همه مسیحیان جهان برسانند.

آنان پس از ورود به مدینه به محضر پیشوای گرانقدر توحید شرفیاب شدند و سه تن از برجسته ترین رهبران فکری و عقیدتی و چهره های مورد احترام و اعتماد آنان، از پیامبر اسلام در مورد برخی از پیامبران پیشین همچون یوسف، موسی، ابراهیم، و برخی کتابهای آسمانی پرسشها کردند و پاسخهای لازم را دریافت داشتند و شیفته پیامبر شدند، اما هنگامی که از آفرینش عیسی علیه السلام و پدر او پرسیدند و پیامبر این آیه شریفه را خواند که:

ان مثل عیسی عندالله کمثل آدم خلقه من قراب . . .^۲

داستان عیسی نزد خدا همچون داستان

آدم است که او را از خاک آفرید آنگاه به او گفت: موجود شو! پس او موجود شد.

این واقعیت بر آنان گران آمد که عیسی از خاک آفریده شده باشد. به همین جهت از جای برخاستند و آتش تعصب در درونشان شعله ور شد. هنوز حرکت نکرده بودند که بهترین راه حل رسید و آیه «مباهله» بر قلب پاك و مصفاى پیامبر آزادی و آزادگی و انصاف فرود آمد.

فمن حاجک فیه من بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا ندع ابنا ونا وبنائکم ونسائنا ونسائکم وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین^۳.

[هان ای پیامبر! پس از آن که به آگاهی رسیده ای، هر کس درباره او (عیسی) با تو به گفتگو و جدل برخاست بگو: بیایید تا ما فرزندان خود و شما فرزندان خود، ما زنان خود و شما [نیز] زنان خود، ما جان خویش و شما جان خود را حاضر آوریم آنگاه [دست به بارگاه خدا برداشته] دها و تضرع نماییم و لعنت [و نفرین] خدا را بر دروغگویان بفرستیم . . .

پس از فرود آمدن این آیه شریفه و گفتگوهایی که پیامبر با هیأت عالی رتبه «نجران» داشت، مقرر شد که بامداد فردا آنان بهترین چهره های خویش را به بیابانهای مدینه ببرند و پیامبر نیز برجسته ترین و شایسته ترین و عالیترین انسانهای مورد نظر آیه شریفه را به همراه خویش برای انجام مباهله در حضور مردم ببرد تا مراسم دعا و ابتهال و تضرع بسوی خدا انجام گیرد.

آن شب برای مسلمانان شب بیاد ماندنی و وصف ناپذیری بود، همان گونه که برای مسیحیان سرنوشت ساز بود. بامداد فردا از

راه رسید؛ خورشید جهان افروز با تابش اشعه طلایی خویش، بر چهره کوه ودشت و نخلهای پیر و جوان مدینه بوسه می زد که هیأت عالی رتبه نجران که در پیشاپیش آنان اسقف اعظم قرار داشت برای «مباهله» از مدینه خارج شد. همگان در انتظار دیدن پیامبر و چهره هایی که به نقل قرآن شریف برگزیدگان خدا و برترینهای روی زمین اند لحظه شماری می کردند که ناگاه با چشمان جستجوگر خویش دیدند که پیامبر دستی بر دست حسن علیه السلام و دستی دیگر بر دست حسین علیه السلام دو نور دیده و دو گل عطرآگین زندگیش دارد.

پیشاپیش خود «امیر» و الایها علی علیه السلام را قرار داده و پشت سرش «امیره» شایستگیها و سالار بانوان گیتی، حوریه انسان نما، اختر تابناک عصمت و عفاف و برجسته ترین الگوی عصرها و نسله فاطمه علیها السلام را.

لحظات حساس و منظره غریبی بود... چهره های مضمّم و سیمای درخشان و ملکوتی آن پنج وجود گرانبه چنان بود که طوفانی در دلها ایجاد کرد. هیأت عالی رتبه «نجران» بهت زده شد و در آینه جمال دل آرای آنان حقیقت محض و خالص را تماشا کرد. هنوز این پنج سرچشمه فیض دست نیاز به بارگاه آن بی نیاز برای مباهله بلند نکرده بودند که اسقف اعظم مسیحیان به همراهانش هشدار داد و خاطر نشان ساخت که به خدای مسیح سوگند این چهره هایی که من می نگرم اگر دست به آسمان بردارند بی درنگ دعایشان به هدف اجابت رسیده و نه ما، که همه مسیحیان

نابود خواهند شد و آنگاه ضمن خضوع در برابر پیامبر از او خواستند که آنان را از «مباهله» معاف دارد.

از تعمق در آیه و تفسیر آن نکات ذیل دریافت می گردد:

الف: همه محدثان، مفسران و سیره نویسان شیعه و سنی جریان مباهله را آورده و خاطر نشان ساخته اند که در آن جریان بطور بی سابقه ای یک گروه شصت نفری از مسیحیان نجران وارد مدینه شدند، ریاست و زعامت هیأت را سه تن به نامهای: «ایهم»، «عاقب» و «ابوحارثه» به عهده داشتند که نخستین نفر، پیشوای آنان بود و دومین نفر، مسؤول امور اجتماعی و سیاسی و خارجی آنان و سومین شخصیت، اسقف اعظم و پیشوای مذهبی شان.

ب: همگان تصریح کرده اند که در آیه شریفه «اینانا» اشاره به حسن و حسین علیهما السلام دو گل بوستان پیامبر است، و «انفسنا» اشاره به امیرمؤمنان علیه السلام برادر و وصی و جان پیامبر دارد، و «نساتنا» به فاطمه علیها السلام اشاره می کند و او وجود گرانبه ای است که میان چهار معصوم دیگر در آیه شریفه قرار گرفته است و خدا مباهله را که یک کار بزرگ و خطیر به همراه برترین پیامبر خداست تنها به او و به همتای او و دو نور دیده اش محوّل می کند و نه دیگری.

ج: همگان تصریح کرده اند که پیامبر از میان انبوه مردان مسلمان تنها علی علیه السلام و از میان همه کودکان تنها دو نور دیده خویش حسن و حسین علیهما السلام، و از میان همه زنان آشنا و بیگانه تنها بانوی بانوان

و سالار زنان گیتی دخت گرانبه اش فاطمه را به دستور خدا برای مباهله از مدینه بیرون آورد.^۴

د: همگان برآنند که پیامبر بر آن بود که مباهله را بوسیله همین نزدیکترین کسان خویش انجام دهد، به همین جهت به آنان فرمود: دستها را به آسمان برند تا پیامبر، خدای را بخواند و دعا کند و فاطمه با شوی گرانقدر و دو فرزند گرانبه اش آمین بگویند.

بدینسان این آیه شریفه، نمایشگر پرتوی از شکوه فاطمه و مقام والای او در بارگاه خداست و نیز سند افتخار فخر زنان عالم و پرتوی از سیمای شکوهار او در قرآن شریف است.

ک ارمغانی دیگر

مفسران، محدثان و سیره نویسان و همه گروه های مسلمان بر این باورند که: روزی پیامبر گرامی وارد خانه دخترش فاطمه شد و مهین بانوی اسلام و شوی گرانقدر و دو نور دیده اش را نزد خویش فراخواند، هنگامی که آن چهار اختر تابناک عصمت و طهارت و آن چهار منبع نور و سرچشمه فیض و لطف، در کنار خورشید جهان افروز وجود پیامبر و زیر «کساء» گرد آمدند، فرشته امین وحی فرود آمد و این آیه شریفه را به ارمغان آورد:

انما یرید الله لیزهد عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً^۵
هان، ای خاندان رسالت خدا می خواهد پلیدی و ناپسندی را از شما دور سازد و شما را آن گونه که شایسته است پاک و پاکیزه دارد.

بانوان بهشت می ایستاد و با صدای رساندا می داد که: الصلوة الصلوة اهل البيت انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا^۷.

نماز، نماز، ای خاندان رسالت! که این واقعت را برخی شش ماه ناظر بوده و گزارش کرده اند و برخی ۹ ماه، و برخی که همیشه در مدینه بوده اند تا رحلت آن حضرت نظاره نموده و گزارش کرده اند...

احمد بن حنبل امام پیشوای اهل سنت در مسند خویش آورده است که: شش ماه پس از فرود آمدن این آیه مبارکه و این سند افتخار و برتری خاندان رسالت، پیامبر هر روز که به هنگام نماز بامدادی از برابر خانه دخت گرانمایه اش فاطمه عبور می کرد، می ایستاد و با صدای رساندا و بلند می فرمود: الصلوة، الصلوة یا اهل البيت...

نماز، نماز، هان ای خاندان رسالت! و آنگاه آیه شریفه را تلاوت می فرمود که: انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس...

و دانشمند و پژوهشگر دیگر اهل سنت در کتاب خویش «ینایع الموده» آورده است که پیامبر گرامی هر سینه سحر و هر طلوع فجر که برای نماز به مسجد می رفت، در برابر خانه دخت ارجمندش فاطمه می ایستاد و ضمن تلاوت آیه شریفه: انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس... می فرمود: الصلوة، الصلوة یا اهل البيت! نماز، نماز، هان ای خاندان رسالت! و این کار بیش از ۹ ماه ادامه داشت^۸.

خاطر نشان می گردد که این خبر از سیصد تن از یاران پیامبر گزارش شده

او از جنس زنان بود وسند افتخار و مایه مباهات آنان در همه قرون و اعصار در دنیا و آخرت، و در میان جنّ و انس و فرشتگان و حوریان بهشت.

ساز و اینان را، آن گونه که خود می پسندی پاک و پاکیزه گردان.

۲- و نیز در حالی که دست بر شانه های فاطمه و شوی گرانقدر و فرزندانش نهاده بود افزود که:

اللهم ان هؤلاء آل محمد فاجعل صلواتك وبركاتك على محمد وعلى آل محمد انك حميد مجيد.

بار خدایا براستی که اینان خاندان پیام آورت محمد هستند، پس درودها و برکات خویش را بر محمد و بر خاندان محمد فرو فرست که تو در خور ستایش و بزرگواری.

ب: افزون بر تصریح به مناسبت های مختلف، پیشوای بزرگ توحید برای روشن ساختن حقیقت دست به کار حکیمانه و جالبی زد و آن این بود که پس از فرود آمدن این آیه شریفه، تا پایان عمر هر روز هنگام طلوع فجر و سینه سحر که از خانه به سوی مسجد حرکت می کرد، در برابر خانه سالار

و بدینسان حقیقت نورانی و سیمای ملکوتی آن گوهرهای ناب و پاک و نایاب از جمله مام گرانمایه فضیلت و تقوا «فاطمه» که محور آنان بود آشکار شد و اشعه تابناک این اختران فروزان آسمان قرآن، درخشیدن گرفت و روشن شد که شریف ترین و گرانمایه ترینهای جهان هستی، این پنج منبع و سرچشمه نور و روشنائی و کمال و جمالتند؛ اینانند که در زیر آسمان نیلگون برترینهایند؛ و اینان هستند که معیار حق و باطل، میزان درستی و نادرستی و الگوی عدالت و آزادی و ارزشهای انسانی اند و بس.

در این مورد دلائل بی شمار است از جمله:

الف: پس از فرود آمدن فرشته وحی و آوردن آیه شریفه، پیامبر گرامی که دریافت دارنده وحی و آموزگار آن است، بارها و بارها بدین واقعت تصریح فرمود که آیه «تطهیر» در مورد فاطمه و پدر گرانقدر و همتهای زندگیش امیر مؤمنان و دو نور دیده او حسن و حسین علیهما السلام است.

برای نمونه:

۱- پس از فرود فرشته وحی و نزول آیه شریفه، پیامبر در حالی که خاندانش را گرد آورده بود و دست بر شانه امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین داشت رو به آسمان کرد و نیایشگرانه فرمود:

اللهم هؤلاء اهل بيتي فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا^۹.

بار خدایا، اینان خاندان من هستند، از این رو گرد پلیدی و ناپاکی را از آنان دور

است.^{۱۰}

ج: خود زنان شایسته و پروايشه پیامبر بارها تصریح کردند که آیه «تطهیر» نه در مورد همسران پیامبر که در مورد دخت گرانمایه او و امیر المؤمنین و حسن و حسین به همراه پیامبر است.

از جمله، از ام سلمه آن بانوی اندیشمند و با اخلاص که همسر پیامبر و ناظر جریان بود و خود فرود آمدن آیه شریفه و تلاوت آن بوسیله پیامبر و دعا و نیایش آن حضرت و گردآمدن آن پنج وجود گرانمایه را، می نگریست آورده اند که: من شوق زده گام به پیش نهادم و از پیامبر اجازه خواستم تا من نیز در کنار آن پنج اختر فروزان قرار گیرم، اما پیامبر مهر و رحمت به من اجازه نداد و در حالی که دامن کساء را جمع می کرد، فرمود: «انک علی خیر...»^{۱۱}.

تو عنصری نیکو رفتاری ویر راه نیکی هستی اما به این حریم راه نداری.

د: امیر مؤمنان و دیگر پیشوایان نور بدین واقعیت تصریح کرده و به مناسبتهای گوناگون و بحث و گفتگوها آن را فرود آمده در شأن همان پنج نور پاک دانسته و خود را از آن خاندان شمرده اند.

برای نمونه

امیر مؤمنان علیه السلام در برابر انبوهی از مردم در گفتگو با ابوبکر فرمود:
أقرء کتاب الله.

آیا قرآن را آن گونه که شایسته است می خوانی؟

او پاسخ داد: آری!

پرسید: از سخن آفریدگار هستی و از

آیه شریفه «تطهیر» سخن بگو، و بگو در مورد چه کسانی فرود آمده است؟ در مورد ما یا دیگران؟

اخبرنی عن قول الله... انما یرید الله... فیمن نزلت؟ فینا او فی غیرنا؟
ابوبکر پاسخ داد در مورد شما و نه دیگران.^{۱۲}

ه: انبوهی از یاران پیامبر خود این واقعیت را بارها از پیامبر شنیده و روایت کرده اند.

علامه امینی در این مورد آورده است:
تمام صحابه و تابعین در این مورد هم رأی و همسخن هستند که آیه تطهیر در شأن پنج نور مقدس است... و تنها «عکرمه» است که داستان سیاق آیات از او نقل شده است.

و آنگاه مشخصات سیصد تن از کسانی را که این واقعیت را نقل کرده اند بر شمرده است.^{۱۳}

ز: و دیگر اینکه دانشمندان و محدثان و مفسران پس از تحقیق گسترده در انبوه روایات همگی بر آنند که آیه شریفه در مورد پیامبر و دخت گرانمایه او و امیر مؤمنان علیه السلام و دو ریحانه بوستان اوست و چون در مورد شأن نزول آیه سخن صریح و معتبری از پیشوای گرانقدر توحید موجود است باید تابع نص بود.

با این بیان «اهل بیت» در آیه شریفه همان گونه که تحقیقات گسترده و دامنه دار مفسران، محدثان، سیره نویسان و دانشوران علوم اسلامی نشان می دهد همان پنج سرچشمه نور و همان پنج منبع برکت و رحمت و همان پنج اختر تابناکند و آنان

عبارتند از:

بانوی بانوان فاطمه علیها السلام و پدر گرانقدرش و شوی پرفضیلتش و دو فرزند گرانمایه اش.

و این نیز پرتوی از شکوه و معنویت فاطمه و سیمای ملکوتی او در قرآن را نشانگر است.

تبلور وجود پیامبر

و نیز قرآن شریف شخصت والای برترین بانوی جهان هستی را، به همراه شوی گرانقدرش امیر مؤمنان علیه السلام و دو گل بوستانش حسن و حسین علیهما السلام این گونه به تابلو می برد:

قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی ومن یترف حسنة نزد له فیها حسناً ان الله غفور شکور.^{۱۴}

هان ای پیامبر! به امت بگو: من بر این ابلاغ رسالت [و انجام مسؤولیت گران] از شما هیچ پاداشی جز دوست داشتن نزدیکان و بستگان نمی خواهم، و هر کس [چنین کار] نیکی کند [و آنان را آن گونه که باید دوست بدارد] به [پاداش] نیکی می اش خواهم افزود، چرا که خداوند آرزوگر و سپاسگزار است.

واژه «قربی» به معنای نزدیکان و بستگان و خویشاوندان است و در این آیه به دلیل انبوه روایات، منظور نزدیکان پیامبر است که عبارتند از بانوی نمونه اسلام فاطمه علیها السلام و امیر مؤمنان و دو فرزند گرانمایه فاطمه.

و علاوه بر روایات که مراد از «قربی» را بیان می کند، اصولاً نمی توان دایره «قربی» را وسیعتر پنداشت، زیرا اگر خدای جهان آفرین پاداش پرشکوهی را برای پیامبر

در نظر می‌گیرد او را درخور این پاداش می‌نگرد، بی‌هیچ تردیدی این پاداش در برابر ابلاغ شایسته و بایسته رسالت و پاداش به جان خریدن رنج و محرومیت و فشاری است که آن پیشوای فداکار و بشردوست در راه انجام وظیفه به جان خرید، از این رو چنین پاداشی که همسنگ و هموزن پاداش رسالت است، تنها درخور کسانی خواهد بود که برآستی تبلور وجود پیامبر و سبیل و نمونه کاملی از اسلام و نسخه‌ای از اصل باشند و یارفتار و کردار و در پرتو دانش و بینش و سیره و سلوک خویش، همان نقش زندگی ساز و جامعه‌پرداز پیامبر را ایفا نمایند و همان برنامه را بسط و گسترش و عمق و استواری بخشند، در غیر این صورت لازمه‌اش این خواهد بود که چنین پاداشی به ابولهب‌ها و ابوجهل‌ها و جعفر کذاب‌ها و عناصر جاه طلب و دنیاپرستی از این قماش نیز برسد.

بر این باور «قصری» نمی‌تواند همه بستگان پیامبر باشد، بلکه همان شماری هستند که خود پیامبر آنان را بارها و بارها به مناسبت‌های گوناگون معرفی فرمود.

برای نمونه:

۱- هنگامی که همین آیه شریفه نازل شد و پیامبر آن را تلاوت فرمود، مردم پرسیدند: ای پیامبر خدا! این نزدیکان شما که دوست داشتن و مهر ورزیدن به آنان بر ما واجب گردیده است کیانند؟

آن حضرت با صدای رسا فرمود: علی و فاطمه و دو فرزند فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام.

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَرَابَتِكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجِبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ؟ قَالَ: سِرُّ اللَّهِ مَبْرُوكٌ عَلَيْهِ وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهُمَا وَقَالَهَا ثَلَاثًا^{۱۵}.

۲- و نیز آورده‌اند که مردی به محضر پیامبر شرفیاب شد و گفت: ای پیامبر خدا، اسلام را آن گونه که دریافت داشته‌ای برایم عرضه دار. آن حضرت فرمود: گواهی ده که خدایی جز یکتا خدای هستی نیست و اینکه محمد بنده و پیام‌آور اوست.

آن مرد پرسید: آیا در برابر رسالت پاداشی هم از من خواهی خواست؟ پیامبر فرمود: نه، تنها دوست داشتن خویشاوندانم را می‌خواهم.

پرسید: خویشاوندان خودم یا شما؟ پیامبر فرمود: خویشاوندان من. گفت: پس دستت را بیاور تا با تو بیعت کنم، و افزود: اینک بر آن کس که به تو مهر نورزد و خویشاوندانت را دوست نداشته باشد لعنت خدا باد!

پیامبر گرامی فرمود: آمین.

جاء اعرابی الى النبي صلى الله عليه وسلم قال: يا محمد اعرض علي الإسلام. فقال: تشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله. قال: تسألني عليه اجرا؟ قال: لا الا المودة في القربى...^{۱۶}

۳- بشر دوستی در پرتو اخلاص

مفسران و محدثان و سیره‌نویسان در شأن نزول سوره انسان آورده‌اند که:

دو فرزند گرانمایه فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بیمار شدند و پیامبر به همراه گروهی به عیادت آنان شتافت و آنجا

به امیرمؤمنان فرمود: برای شفای دو فرزندت نذری کن! و آن گرامی به همراه بانوی نمونه اسلام تصمیم گرفتند که اگر خدای آن دو وجود را شفا داد، سه روز روزه بگیرند، و در این نذر و تصمیم، «فضّه» آن زن اندیشمند و با ایمان نیز که افتخار خدمت و شاگردی فاطمه را داشت از آنان پیروی کرد.

پس از نذر، آن دو کودک ارجمند بهبودی کامل یافتند و امیرمؤمنان به همراه دخت پرفضیلت پیامبر تصمیم گرفت به نذر خویش وفا کند و روزه بگیرد و به پیروی از آنها حسن و حسین و فضّه نیز روزه گرفتند.

امیرمؤمنان علیه السلام به دلیل فشار اقتصادی و نبودن مواد غذایی در منزل، مقداری جو قرض کرد و دخت پیامبر بخشی از آن را آرد و خمیر نموده و چند قرص نان برای افطار فراهم کرد؛ اما هنگام افطار بود که پیشوایی از راه رسید و ضمن درود بر خاندان رسالت از آنان غذا خواست، و آنان هر کدام قرص نان خویش را برای خشودی خدا انفاق کردند و با آب، روزه خویش را افطار نمودند.

روز دوم فرا رسید و آنان روزه گرفتند و دخت پیامبر نیز بخشی دیگر از آن جو را تبدیل به نان کرد؛ اما هنگام افطار یتیمی از راه رسید و ضمن اظهار گرسنگی درخواست غذا کرد، روز دوم نیز همه روزه‌داران بیت رسالت غذای خویش را انفاق کردند و به همین ترتیب روز سوم، غذای خود را به اسیری انفاق نمودند.

روز چهارم بود که پیشوای گرانقدر اسلام، امیرمؤمنان علیه السلام و دو فرزندش را

دید که آثار گرسنگی و فشار روزه از چهره هایشان نمایان است. به همراه آنان به خانه آمد و فاطمه را دید که در محراب عبادت است و او نیز همانند آنان است. این منظره از یک سو پیامبر را متأثر ساخت و از سوی دیگر شادمان ...

درست در این هنگام بود که فرشته وحی فرود آمد و گفت: هان، ای پیامبر خدا! هدیه‌ی خدای را به همراه تبریک و تهنیت او به داشتن چنین خاندان پرافتخاری پذیرا باش! و آنگاه سوره «انسان» را از آغاز تا آیه ۹ بر پیامبر خواند:

بسم الله الرحمن الرحيم

هل أتى على الإنسان حين من الدهر ...

ان الأبرار يشربون من كأس كان مزاجها كافوراً، عينا يشرب بها عباد الله يفجرونها تفجيراً، يوفون بالنذر ويخافون يوماً كان شره مستطيراً، ويطعمون الطعام على حبه مسكناً ويتيمماً وأسيراً، إنما نطعمكم لوجه الله لا نريد منكم جزاءً ولا شكوراً... ۱۷

نیکان از جامه‌ای می نوشند که آمیخته به کافور است، چشمه‌ای که بندگان [خاص] خدا از آن می نوشند و آن را به هر جایی که می خواهند روان می سازند، به نذر [خویشتن] وفا می کنند و از روزی که شر آن همه جا را گرفته است می ترسند، و طعام را در حالی که خود، آن را دوست می دارند به بینوا و یتیم و اسیر می خوراندند [ومی گویند] ما شما را تنها برای [خشنودی] خدا غذا می خورانیم و از شما نه پاداشی می خواهیم و نه سپاسی ...

و بدینسان در این آیات برترین بانوان گیتی با این ویژگیهای بی نظیر ستوده شده است:

الف: با ویژگی اهمیت دادن به وظائف و مسؤولیتهای گوناگون «یوفون بالنذر».

ب: با ویژگی ایمان به حسابرسی خدا و بالاترین حساب را برای او باز کردن «ویخافون يوماً كان شره مستطيراً».

ج: با ویژگی ایشار و از خودگذشتگی و مقدم داشتن توده‌های محروم بر خود و اهمیت دادن به مستحبات «ویطعمون الطعام على حبه مسكناً ويتيمماً وأسيراً».

د: با ویژگی اخلاص، این گوهر نایاب و این اکسیر روحبخش عمل ... انما نطعمكم لوجه الله ...

هـ: با ویژگی شکیبایی و پایداری در راه خدا و ارزشهای الهی ... و جزاهم بما صبروا ...

و: و آنگاه پاداش پرشکوهی را که در برابر این ویژگیها به آنان ارزانی داشته است برمی شمارد:

ان الأبرار يشربون من كأس كان مزاجها كافوراً، عينا يشرب بها عباد الله ... فوقاهم الله شر ذلك اليوم ... و جزیهم بما صبروا جنةً وحريراً.

و سرانجام آن حوریه انسان نما را از مصادیق بارز شایسته ترین و وارسته ترین بندگان خدا، و الگویی جاودانه برای عصرها و نسلها به تابلو می برد، همان گونه که همسر گر انقدر و فرزندان گرانمایه او را.

۵- بسان کعبه

و نیز در شکوه و معنویت و قداست،

دخت گرانمایه پیامبر و امام ارجمند فضیلتهاست که اقامتگاه و محل زندگی او مورد تجلیل و تقدیس قرار گرفته و از حرمت و قداست ویژه‌ای برخوردار می گردد، درست بسان کعبه، بسان مسجد پیامبر، بسان دیگر مساجد و مکانهای مقدس و مورد احترامی که خدای جهان آفرین رخصت داده است که آنها را ارجمند دارند و نام بلند او را در آن مکانها به عظمت برند و هر بامداد و شامگاه او را ستایش نمایند.

فی بیوت اذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح له بالغدو والاصال ۱۸.

آن نور در خانه‌هایی است که خدا رخصت داده است که ارجمندش بدارند و نام بلندش در آنجا برده شود و هر بامداد و شامگاه او را ستایش کنند.

انس بن مالک ویریده، دو تن از یاران پیامبر آورده اند که آن حضرت این آیه شریفه را تلاوت کرد که: فی بیوت اذن الله ...

مردی برخاست و پرسید: ای پیامبر خدا! خانه‌های مورد نظر این آیه کدامند؟

پیامبر فرمود: خانه‌های پیام آوران خدا! هنوز گفتگوی پیامبر با آن مرد به پایان نرسیده بود که ابوبکر با اشاره به خانه فاطمه پرسید: ای پیامبر خدا! آیا این خانه نیز از خانه‌های مورد نظر این آیه قرآن است؟

پیامبر فرمود: آری، و از برترین آن خانه‌هاست.

و نیز ابن عباس از پیامبر آورده است که در مسجد پیامبر نشسته بودیم که فردی این آیه شریفه را تلاوت کرد: فی بیوت اذن الله ...

من از پیامبر پرسیدم: ای پیامبر خدا!

این خانه‌ها کدامند؟

فرمود: خانه‌های پیامبران . . . و آنگاه با دست مبارک به خانه دخت گرانمایه اش فاطمه اشاره کرد و فرمود: و این خانه [که بسان خانه پیامبران است]؛ و خود پیامبر تا آنجا حرمت خانه فاطمه را داشت که هرگاه می‌خواست بدانجا وارد شود نه یکبار که سه بار می‌فرمود: السّلام علیکم . . .

و این گونه با سلام ویژه‌ای که سلام اجازه است، از دخت گرانقدرش اجازه ورود می‌گرفت.

به هر حال این واقعیت در معتبرترین اسناد مذهبی پس از قرآن کریم موجود است.

۶- کوثر نور افشان رسالت

و نیز قرآن شریف وجود گرانمایه بانوی بانوان گیتی را «کوثر» یعنی خیر فراوان، سرچشمه همیشه جوشان، و نهر همیشه جاری خیر و برکت و نیکبختی و سعادت در امتداد تاریخ، و سرمایه جاودانه و پایان ناپذیر معنوی، عنوان داد و خدا پیش از ولادت او، نوید شادی بخش و سرور آفرین و امیدوارکننده آمدنش را، به پیامبر برگزیده اش تبریک گفت و به آن حضرت امید بخشید و دستور داد تا به شکرانه این موهبت گران و جاودانه، پروردگار خویش را سپاس گزارد و نماز بخواند و قربانی کند، و اطمینان داشته باشد که دشمنان کینه توز و بداندیش و بدخواه او نسلشان قطع خواهد بود و نه پیامبر.

أنا اعطیناک الکوثر * فصل لربک وانحر * ان شائک هو الاثر^{۱۹}.

[هان، ای محمد] ما کوثر را به تو ارزانی داشتیم، اکنون که چنین است برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن ای تردید دشمن [بداندیش] تو «اثر» و بدون نسل خواهد بود [نه تو]!

مفسران و محدثان در مورد نزول این آیات و این سوره مبارکه برآند که:

با اوج گرفتن دعوت آسمانی پیامبر و نفوذ معارف و مفاهیم الهی در جانها و اعماق قلبها و گرایش مردم به راه و رسم قرآن، برخی از سران شرك و ارتجاع که از هیچ اهانت و خشونت و زخم زبان نسبت به پیامبر فروگذار نمی‌کردند، آن گرامی را شخصیتی «اثر» عنوان دادند و همه جا در بوقهای فریب و دروغ خویش دمیدند که با رحلت محمد دین و دفتر و راه و رسم آسمانی او، به دست فراموشی سپرده خواهد شد، چرا که جانشین و فرزندی ندارد تا راهش را ادامه دهد.

این سخنان قلب مصفا‌ی پیامبر را آزرده، و آنگاه بود که سوره مبارکه کوثر فرود آمد و نوید ولادت فاطمه علیها السلام این سرچشمه جوشان و نهر همیشه جاری خیر و برکت، به پیامبر داده شد.

از این رو «کوثر» دخت گرانمایه پیامبر است و سوره مبارکه کوثر نشانگر پرتوی از شکوه و عظمت او. و بوسیله او و همسر گرانقدر و فرزندان معصوم و گرانمایه و نسل پاک او، خداوند آیین توحید و راه و رسم آسمانی محمد صلی الله علیه و آله را تداوم بخشید همان گونه که خود بارها و به مناسبتهای گوناگون نوید داده است در واپسین حرکت تاریخ نیز جهان را به دست آخرین فرزند پاک

او لبریز از عدل و داد خواهد کرد و پرچم توحید و رسالت را بر بام گیتی به اهتزاز خواهد آورد.



یادداشتها

- ۱- الصواعق ص ۹۳.
- ۲- سوره ۳ آیه ۵۸.
- ۳- سوره ۳ آیه ۶۱.
- ۴- به تفاسیر ذل آیه شریف رجوع شود از جمله تفسیر المیزان، الدر المثور، مجمع البیان، الکشاف . . .
- ۵- سوره ۳۳ آیه ۳۳.
- ۶- شواهد التنزیل ج ۲ ص ۵۶.
- ۷- شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۱.
- ۸- شواهد التنزیل ج ۲ ص ۲۹.
- ۹- الاسلام و الشیعه محیی شهابی ج ۲ ص ۲۲۳.
- ۱۰- الدر المثور ذیل آیه.
- ۱۱- مجمع البیان ذیل آیه شریفه.
- ۱۲- فاطمه الزهرا من المهد الی اللحد ص ۷۰.
- ۱۳- فاطمه الزهراء علامه امینی ص ۲۰.
- ۱۴- سوره ۴۲ آیه ۲۳.
- ۱۵- احقاق الحق ج ۳ ص ۲.
- ۱۶- کفایه الطالب گنجی شافعی ص ۳۱.
- ۱۷- سوره ۷۶ آیات ۹- ۱.
- ۱۸- سوره ۲۴ آیه ۳۶.
- ۱۹- سوره ۱۰۸ آیه ۳۶.

